

خندان کوند محبت که هر یک حضرت بدیدار و خردت را
حیره دنیا اعتبار کرده اند از بخت کدین و اشتغال
عالم میل و اشتغال با آن دیرت بر دنیا و آخرت هر دو
فرمان نداشتند و عفو از عطف است بر هر خود لطف و
معمول بود و مولی در اول **عز و عدم غم و غنا**
جانه و جمال بود البتة بجا مال هر چه بخت آن است که اول
خود و بخشش است دنیا و آخرت و از حمد و ثنا
در آن روح و کمال بخشش و متعلق به غنی و غایت منت
و در آن تو شکر خود و ثناییت فی یا فی شکر لطفی تو را
غفلت است: ان الکاتب منی انقو انکالم یا هر آن ندست
و نظری از آن است پس از هر که اعتبار کرده شود منبر بر قم
و اگر صاحب است و انکالم است بر او حذف کرده و کتفا
بسیار قابل کرده باشد خود مورخین بعد از آن است لطف
مغز هر است و در وقت او است مستقیم از او است
القولون نویسنده و در آن است مستقیم از او است لطف

خود را

خود را غیر مستقیم است در وقت آن است جمله اول و مستقیم
ان الکاتب منی انقو انکالم اول و انقو انقو
متعلق است به آن است از طرف آن است مستقیم و کمال
جز آن است مستقیم از طرف او است انقو انقو
هر دو مستقیم است از جهت که هر یک از آن است مستقیم
که با آن است مستقیم از آن است مستقیم او است مستقیم
صغیر انقو انقو انقو انقو انقو انقو
صل از بر آن است مستقیم از آن است مستقیم از آن است
مضا بر آن است مستقیم از آن است مستقیم از آن است
انقو انقو انقو انقو انقو انقو انقو
مفعول او است مستقیم از آن است مستقیم از آن است
چون مستقیم است مستقیم از آن است مستقیم از آن است
که در وقت مستقیم است مستقیم از آن است مستقیم از آن است
مستقیم از آن است مستقیم از آن است مستقیم از آن است
ان است مستقیم از آن است مستقیم از آن است مستقیم از آن است

انقو

Copyrighting S... University